

فرهنگ مشاهیر دارالفنون

[دانش‌آموختگان مدرسه دارالفنون]

● سعید وزیری* و فتح‌الله توحیدلو**

مقالات

اشاره

مدرسه دارالفنون طی سالیان متوالی و متمادی فراز و فرودهایی داشته و مراحل را از جهت نوع، کیفیت و قالب آموزشی داشته است. اوایل یک مدرسه عالی مهارت‌آموزی و مهارتی بوده و بعد با تأسیس دانشگاه و مراکز آموزش عالی تخصصی و انتقال این کارکردها به آن مراکز، تبدیل به دبیرستان دارالفنون شده است و در مرحله‌ای به مرکز تربیت معلم تبدیل شده است. فارغ‌التحصیلان این مدرسه جدای از این تحولات اکثراً (نه همه) افراد تأثیرگذار و جزو شخصیت‌های فرهنگی، علمی و سیاسی کشور بوده‌اند. در این مقاله فهرستی از تعدادی از مشاهیر دارالفنون ارائه می‌شود ارائه این اسامی به منزله تأیید تفکرات سیاسی و دینی و روش‌های مدیریتی و... آن‌ها از سوی این فصلنامه نیست بلکه فقط قصد داریم نمونه‌ای از این اشخاص و تأثیرات یک حرکت فرهنگی و آموزشی را در جامعه ایران در طول تاریخ نشان دهیم.

یکشنبه هشتم دی ۱۲۳۱/ پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ مدرسه دارالفنون با صد نفر از فرزندان رجال ایران و شاهزادگان، کار آموزشی خود را شروع کرد. اما شعبه فنون نظامی مدرسه، هشت‌ماه قبل از گشایش رسمی دارالفنون فعالیت خود را آغاز کرده بود. طبق مدارک و اسناد موجود، امیرکبیر از کار شعبه نظامی مدرسه راضی بوده است.

به نوشته فریدون آدمیت، از دانش‌آموختگان دارالفنون، دیدگاه امیرکبیر را در شکل‌گیری دارالفنون باید به‌دروستی بشناسیم. ذهن امیر در درجه اول معطوف به دانش و فن جدید بود و در مرحله بعدی به علوم نظامی توجه داشت. این معنی با مطالعه تطبیقی برنامه درس‌های دارالفنون و برنامه‌های امیرکبیر درباره رشته تدریس استادانی که استخدام شدند روشن می‌شود. رشته‌های اصلی تعلیمات دارالفنون، به‌نحوی که در نظر گرفته بود، عبارت بودند از پیاده نظام، فرماندهی توپخانه، سواره نظام، مهندسی، ریاضیات، نقشه‌کشی، معدن‌شناسی، فیزیک، کیمیای فرنگی، داروسازی، طب و تشریح و جراحی، تاریخ جغرافیا و زبان‌های خارجی. مدرسه هفت شعبه داشت و برخی شعبه‌های مزبور مشترک بود (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۵۳-۳۵۴).

* نویسنده و پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

** کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی و کارشناس مسئول وقت گنجینه و مرکز اسناد

نام دارالفنون در هیچ‌یک از نامه‌های امیرکبیر دیده نمی‌شود. عنوان دارالفنون نخستین بار در نامه‌ای دیده می‌شود که میرزاعلی‌خان، وزیر امور خارجه، در ۲۴ محرم ۱۲۶۸ به کلانتر تهران و عزیزخان آجودان‌باشی نوشته است. در این نامه آمده است: «مقرر شده است سی‌تن مابین چهارده تا شانزده سال از اولاد خوانین و اعیان و اشراف در دارالفنون دارالخلافه به تحصیل مشغول شوند.» تا قبل از نامه وزیر امور خارجه به کلانتر تهران، در نامه‌های رسمی و خصوصی امیرکبیر نام مدرسه؛ مدرسه نظامیه، مکتب‌خانه پادشاهی آمده است. حتی در قراردادنامه‌ای که بین معلمان اتریشی و ایران منعقد شده است از دارالفنون با نام «مکتب‌خانه‌شاهی» یاد شده است. در سال ۱۲۶۷، روزنامه وقایع اتفاقیه نام تعلیم‌خانه و معلم‌خانه را ذکر کرده است.

به هر تقدیر، دارالفنون سیزده روز پیش از به قتل رسیدن امیرکبیر در حمام فین کاشان شروع به کار کرد و با همه فراز و فرودهایی که داشت تا سال ۱۳۶۴ش همچنان فعال بود. فعالیت فرهنگی ۱۳۳ ساله دارالفنون را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد.

● **دوره اول:** از سال تأسیس تا یک سال پس از وفات ناصرالدین‌شاه است؛ از ویژگی‌های این دوره ۴۷ ساله این است که دانش‌آموزانی که به دارالفنون می‌آمدند مقدمات خواندن و نوشتن را یا در مکتب‌های قدیم یا با معلمان خصوصی گذرانده بودند زیرا در ایران مدارس ابتدایی به شیوه امروزی وجود نداشت. ویژگی دیگر این دوره را باید تفاوتی دانست که میان دانش‌آموزان عادی با فرزندان اعیان و شاهزادگان وجود داشت. این شاهزادگان در اتاق‌های مخصوص به تحصیل می‌پرداختند. احتشام‌السلطنه در خاطراتش (۱۳۶۶) در این باره می‌نویسد: «من یک اطاق در مدرسه داشتم که مرحوم ابوالنصر، میرزا حسام‌السلطنه و شاهزاده محمدمیرزا کاشف‌السلطنه و مدتی هم خازن‌الملک آنجا می‌آمدند.»

در دفتر روزانه دارالفنون در سال ۱۳۰۱ می‌خوانیم: «پسران رئیس نظمیه را به مدرسه آوردند و اتاق و معلم خصوصی برای آنان تعیین نمودند.»

در کتاب شاه ذوالقرنین و خاطرات ملیجک نوشته بهرام افراسیابی (۱۳۷۴) می‌خوانیم که ملیجک اتاق و معلم خصوصی داشته است. وی در دارالفنون کلاسی داشت که ۶۷ نفر نوکر بچه‌های ملیجک آن را تشکیل می‌دادند. با این‌همه بسیاری از دانش‌آموختگان دارالفنون در این دوره در رشته‌های گوناگون توانسته‌اند از ناموران و برگزیدگان شوند. به نوشته اقبال یغمایی (در سلسله مقالات مجله یغما): «پس از کشته شدن ناصرالدین‌شاه رونق و اعتبار مدرسه دارالفنون کاهش یافت و مظفرالدین‌شاه جانشین او به سبب بیماری مزمن و ناتوانی جسمی و روحی حوصله و دل و دماغ رسیدگی به دارالفنون را نداشت.»

عبدالله مستوفی (۱۳۹۸) این دوره چهل ساله را چنین وصف می‌کند: «با اینکه طبیب‌هایی که از این دستگاه بیرون آمدند بهترین اطباء دوره‌های بعد شدند و در سایر شعب علمی هم برتری محسوس نمایان گشت مخصوصاً در فنون نظام احتیاج به مشاور اروپایی که برای تعلیم افواج جدید لازم بود مرتفع گردید.» اما به نوشته او: «درباریان و بزرگان قوم حرف این عده قلیل را که از مدرسه دارالفنون بیرون آمده بودند نمی‌فهمیدند و از این طبقه تشویق بسزایی نمی‌شد و روزبه‌روز پایه دانش آن‌ها تنزل می‌کرد تا بالاخره در آینده این مدرسه محل اعاشه

جمعی می‌شود و روح دانش این مؤسسه علمی چهل ساله را بدرود می‌گوید».

● **دوره دوم:** از مرگ ناصرالدین شاه آغاز و به انقلاب مشروطه ختم می‌شود. این دوره هم از لحاظ کمی و هم کیفی، فعالیت درخوری ندارد. به طوری که در سال ۱۳۰۷ تعداد دانش‌آموزان ۳۸۷ نفر است، اما در سال ۱۳۱۵ق، تعداد آنها به ۲۹۸ نفر تقلیل می‌یابد. این آمار در سال ۱۳۲۱ق، به ۱۶۲ نفر و در سال ۱۳۲۴ق، به ۲۶۳ نفر می‌رسد.

علی‌اصغر حکمت در این باره می‌نویسد: «تا سال ۱۳۲۵ دارالفنون به روش پیشین آموزشگاه ارجمندی بوده مگر آنکه از آن پس، رفته‌رفته از شکوه و بزرگی دیرین افتاده و فرهنگ نوین راه و روش آن را بگردانیده و به دبیرستان ساده و فرومایه درآورده‌اند که در آنجا دانش‌آموزان سرآغاز دانش‌ها را می‌آموزند و از آن پرورشگاه والا جز نام دارالفنون چیزی به جا نمانده کاخ کهنسال آن دانشگاه بدان سان که امیرکبیر ساخته بود تا سال ۱۳۴۸ق، برجای بود مگر در آن سال (۱۳۰۸ش) به دستور فرهنگ‌خانه کهن را ویران و ساختمانی نوین به دست اندازه‌گیران چابک‌دست که یکی از آنها مارکف روسی است در جای آن به پا کرده‌اند.»

از داورهای این و آن که بگذریم، مشخص است که مدرسه دارالفنون و دانش‌آموزان آن از پیشگامان آزادی بودند. به گواهی تاریخ، پس از اینکه مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت را امضا کرد، وفات یافت. در روز سوم وفات شاه، چند تن از دانش‌آموزان دارالفنون درباره مشروطیت و فواید آزادی سخنرانی کردند. همچنین، در مبارزه آزادی‌خواهان با استبداد محمدعلی‌شاه، دانش‌آموزان دارالفنون به حمایت از مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس متحصن شدند.

● **دوره سوم:** از سال ۱۳۰۸ش، آغاز و به سال ۱۳۶۴ش، ختم می‌شود. کل این دوره پنجاه و شش سال بود. دارالفنون در این دوره در قالب دبیرستان فعالیت داشت. گرچه برخی بر این باورند که دارالفنون در زمینه ادبی و علوم انسانی افراد درخور اعتنایی تربیت نکرده است و این برداشت از آنجا ناشی می‌شود که دارالفنون از آغاز تا سال ۱۳۰۸ به مدت ۷۷ سال به تعلیم دروس تجربی و علمی توجه بیشتری داشته است. با این همه نگاهی به فارغ‌التحصیلان دارالفنون نشان می‌دهد که بسیاری از ادیبان، مترجمان، پژوهشگران، شاعران، روشنفکران، دولت‌مردان، مورخان، نمایشنامه‌نویسان و هنرمندان از دانش‌آموختگانی‌اند که در دارالفنون تحصیل کرده‌اند. احمد آرام (۱۳۹۳) در شرح زندگی‌اش می‌نویسد: «در سال ۱۳۰۲ دارالفنون را تمام کردم و دیپلمه شدم. دارالفنون تنها مدرسه متوسطه‌ای بود که عنوان خاصی برای خودش داشت. من صدوچهارمین نفری بودم که دیپلم گرفتم.» (محقق، ۱۳۹۳: ۱۷). با عنایت به اینکه در سال ۱۳۰۲ دارالفنون فقط ۱۰۳ تا دیپلم داشته است بنابراین احمد آرام که صدوچهارمین دیپلم سال ۱۳۰۲ است به این معنی است که سال ۱۳۰۲ش فقط ۱۰۴ دیپلمه داشته‌ایم. با این حساب، نگاهی به ناموران دارالفنون در دوره‌ای می‌اندازیم که دارالفنون فقط یک دبیرستان است. این خود نشان آن است که دانش‌آموزان این دبیرستان در تمام دوره‌ها توانسته‌اند چهره‌هایی مانا داشته باشند. امید است که فرهنگ مشاهیر دارالفنون توانسته باشد به معرفی فرهیختگانی بپردازد که هر کدام در زمینه ویژه‌ای نام و آوازه دارند.^۱

۱. فرهنگ مشاهیر دارالفنون، نام کتابی است که توسط همین نویسندگان در حال چاپ می‌باشد.

فهرست تعدادی از ناموران دانش‌آموخته در دارالفنون به ترتیب حروف الفبا

آ

۱. آدمیت، فریدون؛ مورخ و پژوهشگر، دیپلمات و نویسنده
۲. آذر تاش، آذر نوش؛ پژوهشگر، مترجم و استاد دانشگاه
۳. آرام، احمد؛ مترجم، معلم، محقق و نویسنده
۴. اردستانی، ارسطو؛ پزشک
۵. آزمایش، علی؛ حقوق‌دان، عضو هیئت‌علمی دانشگاه و مؤلف
۶. آژنگ، ابراهیم؛ موسیقیدان
۷. آشفته‌تهرانی، امیر؛ استاد دانشگاه و محقق (جامعه‌شناس)
۸. آشتیانی، اسماعیل؛ نقاش، ادیب و شاعر
۹. آشوری، داریوش؛ نویسنده، شاعر و محقق
۱۰. مهندس، آقاخان محاسب‌الدوله؛ شاگرد و معلم دارالفنون و مؤسس مدرسه علمیّه تهران
۱۱. آل‌بویه، اسدالله؛ استاد دانشگاه، شاعر، ریاضیدان و مؤلف
۱۲. آل‌احمد، جلال؛ نویسنده و مترجم
۱۳. آل‌احمد، شمس؛ نویسنده و روزنامه‌نگار
۱۴. آگاه، سیاوش؛ مترجم و استاد دانشگاه

ا

۱. ابراهیمی، نادر؛ نویسنده و داستان‌نویس
۲. ابوتراب، میرزا ابوتراب‌خان غفاری؛ نقاش (برادر کمال‌الملک)
۳. اخگر، احمد؛ ملقب به فرسیو؛ شاعر و نماینده مجلس شورای ملی
۴. ادیب‌الدوله، محمدحسین‌خان؛ ناظم دارالفنون
۵. ادیب‌السلطنه سمیعی، میرزا احسین‌خان؛ ادیب و نماینده مجلس شورای ملی
۶. ارانی، تقی؛ پژوهشگر و سیاستمدار چپ ایرانی
۷. اسفندیاری، حسن ملقب به محتشم‌السلطنه؛ وزیر عدلیه، وزیر امور خارجه و سیاستمدار
۸. اصفهانی، عبدالرسول‌خان؛ معلم ریاضی

۹. اعتمادی، سید جلال‌الدین؛ شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده
۱۰. اعلم‌الدوله ثقفی، خلیل‌خان؛ پزشک دربار و مشروطه‌خواه
۱۱. اقبال آشتیانی، عباس؛ مورخ، استاد دانشگاه، محقق و نویسنده
۱۲. اکرمی، سید کاظم؛ وزیر آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران

ب

۱. بازارگان، مهدی؛ نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب اسلامی، فعال سیاسی، استاد دانشگاه و سیاستمدار
۲. باستان، نصرت‌الله؛ چشم‌پزشک و نویسنده
۳. بغایری، عبدالرزاق؛ چشم‌پزشک، نویسنده و جغرافی‌دان
۴. بهرامی، میرزا ابوالحسن‌خان؛ رئیس بیمارستان سینا
۵. بیضایی، بهرام؛ نمایشنامه‌نویس و کارگردان سینما

پ

۱. پرنگ، نوذر؛ شاعر
۲. پژوم شریعتی، سیداحمد؛ شاعر

ت

۱. تبریزی، میرزا آقا؛ پدر نمایشنامه‌نویسی

ج

۱. جلایر، میرزا اسماعیل؛ نقاش دوره ناصری
۲. جمشید نژاد اول، غلامرضا؛ مورخ و ایران‌شناس
۳. جهان، جعفر؛ روزنامه‌نگار

ح

۱. حریرچی، فیروز؛ استاد دانشگاه و محقق
۲. حصن السلطنه کیومرث، شفاقی؛ وابسته نظامی ایران در آلمان
۳. حکیمی، میرزا ابراهیم‌خان؛ نخست‌وزیر

خ

۱. خیام‌پور، عبدالرسول؛ استاد دانشگاه و ادیب

د

۱. داور، علی‌اکبر؛ وزیر مالیه، وزیر دادگستری، نماینده مجلس و سیاستمدار
۲. درویش‌خان، غلامحسین؛ موسیقی‌دان
۳. دریابیگی، احمدخان؛ حکمران بوشهر

ر

۱. رضاعی، سیدحسین؛ پزشک بیماری‌های روانی
۲. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم؛ محقق و حقوقدان
۳. رقابی، حیدر؛ شاعر و استاد دانشگاه
۴. رهنما، غلامحسین؛ عضو عالی مجمع نجومی آکادمی علوم فرانسه

ز

۱. زهری، ایرج؛ مترجم، نمایشنامه‌نویس و استاد دانشگاه بوهام آلمان

س

۱. سپانلو، محمدعلی؛ شاعر و نویسنده
۲. سحابی، یدالله‌خان؛ استاد دانشگاه و فعال سیاسی
۳. سلیمان‌خان، مهندس؛ معلم ریاضی در دارالفنون

ش

۱. شایگان، سیدعلی؛ وزیر فرهنگ و فعال سیاسی
۲. شفایی، احمدخان؛ پزشک و استاد دانشگاه
۳. شقاقی، محمدعلی‌خان

۴. شمس ملک آرا، محسن میرزا؛ شاعر
۵. شهریار، محمدحسین؛ شاعر
۶. شهاب‌الدوله، اسدالله میرزا؛ وزیر معارف
۷. شیمی، میرزا محمودخان؛ رئیس مدرسه داروسازی

ص

۱. صبا، محسن؛ مؤسس انجمن دوستداران کتاب و محقق
۲. صدیق، عیسی؛ وزیر فرهنگ
۳. صدیقی، غلامحسین؛ جامعه‌شناس، استاد دانشگاه، وزیر و فعال سیاسی
۴. صفا، دکتر ذبیح‌الله؛ استاد دانشگاه و پژوهنده
۵. صور اسرافیل، میرزا جهانگیرخان؛ روزنامه‌نگار
۶. صهبا، ابراهیم؛ شاعر و طنزپرداز
۷. صنیع‌الدوله، مرتضی‌قلی خان؛ وزیر علوم و نخستین رئیس مجلس شورای ملی

ض

۱. ضیاءالدوله، امان‌الله میرزا؛ نماینده مجلس و وزیر فرهنگ

ط

۱. طاهری، ابوالقاسم؛ مترجم، پژوهنده و ایران‌شناس
۲. محیط طباطبایی، سیدمحمد؛ شاعر، ادیب و محقق

ع

۱. عزیزی، محسن؛ استاد دانشگاه و مؤلف
۲. عطایی، مسعود؛ شاعر، آهنگساز و نویسنده
۳. علی‌آبادی، محمدحسین؛ پژوهنده و استاد دانشگاه
۴. عمیدالحکما، سیدابراهیم خان؛ نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی
۵. عناصری، جابر؛ استاد و مردم‌شناس

غ

۱. غفاری، محمد؛ معروف به کمال الملک، نقاش
۲. غنی، قاسم؛ وزیر فرهنگ، پژوهنده و پزشک

ف

۱. فاطمی، تقی؛ استاد دانشگاه و ریاضی‌دان
۲. فرجیان، مرتضی؛ شاعر و طنزپرداز
۳. فرزاد، مسعود؛ استاد و پژوهنده
۴. فرات، عباس؛ شاعر
۵. فلسفی، نصرالله؛ مورخ و استاد
۶. فرهود، داریوش؛ پزشک و پدر علم ژنتیک ایران

ک

۱. کاسمی، نصرت‌الله؛ ادیب و پزشک
۲. کاظمی، باقر؛ معاون نخست‌وزیر و وزیر راه
۳. کاشف‌السلطنه، محمدمیرزا؛ پدر صنعت چای در ایران
۴. کفری کرمانشاهی، میرزا محمدخان؛ پزشک
۵. کیانوری، نورالدین؛ فعال سیاسی (حزب توده)

گ

۱. گلاب‌دره‌ای، محمود؛ نویسنده
۲. گل‌گلاب، حسین؛ معلم دارالفنون و سرایندهٔ سرود «ای ایران»
۳. گونیلی، حسین؛ استاد و پژوهنده

م

۱. مجتهدی گیلانی، سیدعلی؛ مؤسس دانشگاه صنعتی شریف
۲. محمودی، احمد؛ نماینده‌نویس

۳. محتشم السلطنه، میرزا حسن خان؛ وزیر معارف
۴. مخبرالدوله، علی قلی خان؛ دومین وزیر علوم
۵. مستعان، حسین قلی؛ نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم
۶. مشایخی، رضا؛ مترجم و استاد دانشگاه
۷. مشارالدوله، حسام‌الدین؛ پزشک درباری
۸. مشکور، محمدجواد؛ مورخ و پژوهنده
۹. مشیرالوزراء، میرزا محمود خان؛ کاشف ستاره محمودی
۱۰. مشیری، فریدون؛ شاعر
۱۱. مصفا، مظاهر؛ استاد دانشگاه و شاعر
۱۲. معین، محمد؛ استاد دانشگاه، مؤلف و پژوهنده
۱۳. مقربی، مصطفی؛ استاد دانشگاه و نظریه پرداز
۱۴. ممتازالملک، مرتضی خان؛ وزیر معارف
۱۵. ممتحن‌الملک، علی یار فخران؛ سفیر ایران در لنینگراد
۱۶. مهران، محمود؛ وزیر فرهنگ
۱۷. منزوی، احمد؛ فهرست‌نویس
۱۸. میرزاموسی؛ نقاش نشریه شرف
۱۹. مینوی، مجتبی؛ استاد و پژوهنده
۲۰. مین‌باشیان، غلامرضا؛ موسیقی‌دان
۲۱. مین‌باشیان، غلامحسین؛ موسیقی‌دان

ن

۱. ناتل خانلری، پرویز؛ وزیر فرهنگ، استاد دانشگاه و پژوهنده
۲. نجم‌الدوله، میرزا عبدالغفار خان؛ جغرافی‌دان
۳. نجم‌الملک، میرزا ابوالقاسم؛ دیپلمات و دولت‌مرد
۴. نراقی، احسان؛ جامعه‌شناس
۵. نصر، تقی؛ وزیر دارایی
۶. نصر، ولی‌الله؛ رئیس مدرسه علوم سیاسی
۷. نصر‌الملک، حسنعلی کمال هدایت؛ وزیر مختار ایران
۸. نظمی، ناصر؛ ایران‌شناس و شاعر
۱۰. نفیسی، علی اکبر خان؛ ملقب به ناظم‌الاطبا، معلم و فرهنگ‌نویس

و

۱. وثوقی، کیومرث؛ استاد دانشگاه و شاعر (متخلص به روشن)

ه

۱. هدایت، صادق؛ نویسنده، مترجم و داستان‌نویس
۲. هدایتی، هادی؛ وزیر فرهنگ
۳. هشتروندی، محسن؛ ریاضی‌دان، استاد دانشگاه و ادیب
۴. همایون فرح، عبدالرحیم؛ کتابدار و پژوهنده

ی

۱. یمین‌الممالک، میرزا جعفر خان؛ دیپلمات و سیاستمدار
۲. یمینی شریف، عباس؛ شاعر کودکان

منابع

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۸۵). امیرکبیر و ایران. تهران: انتشارات خوارزمی.
۲. آرام، احمد (۱۳۹۳). آرام‌نامه: مجموعه مقالات علمی و ادبی تقدیم شده به استاد احمد آرام. مؤلف، مصحح و گردآورنده: مهدی محقق. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳. احتشام‌السلطنه، (۱۳۶۶) خاطرات. به کوشش سید محمدمهدی موسوی. انتشارات زوار.
۴. یغمایی، اقبال. «مدرسه دارالفنون». سلسله مقالات مجله یغما.
۵. مستوفی، عبدالله (۱۳۹۸). شرح زندگانی من. تهران: انتشارات زوار.